

تاسال ۶۹۵ ه. است. نویسنده آن شناخته نیست و چنین می‌نماید که دست کم بخشی از این کتاب در روزگار طغول سلجوقی تألیف شده باشد. چنانکه در وقایع سال ۴۴۵ ه. لقب او ذکر شده است (storey/ ۳۶۴). بخش اول این کتاب «مبتنی بر مأخذ معتبر و مشتمل بر روایات و اخبار جالب در باب حوادث سرزمین سیستان و نواحی مجاور است... و خاصه از جهت اشتمال بر اخبار خوارج سیستان و احوال یعقوب لیث و اخلاف و اعکاب او و بسیاری مطالب دیگر فواید زیاد دارد» (زیرین کوب/ ۵۹). تاریخ سیستان را ملک‌الشعرای بهار به چاپ رساند. کسانی دیگر از جمله محمودین یوسف اصفهانی ذیلی بر آن نگاشته‌اند و وقایع آنرا تا سال ۷۲۵ ه. رسانده‌اند.

ایه‌الملوک، تأثیف شاهحسین بن ملک غیاث‌الدین محمد،

سیری در تاریخ نگاری محلي ایران



از بازماندگان صفاریان، تاریخ دیگری است در باب سیستان که وقایع را تا سال ۱۰۲۸ ه. داده داده است. این مورخ تذکره‌های هم به نام خیرالبیان دارد (storey/ ۳۶۴).

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق یکی از اعضای خاندان‌های کهن بیهق بود که در سال ۴۹۹ ه. در سبزوار متولد شد و در نزد میدانی تحصیل کرد و در سال ۵۴۹ ه. قاضی بیهق شد. ولی پس از چند ماه این منصب را واگذاشت و چندی رادری، نیشابور، سرخس و بیهق گذراند و از سال ۵۴۹ تا ۵۳۷ ه. در نیشابور اقامت گزید و به تدریس پرداخت. ابن فندق در سال ۵۶۵ ه. دارفانی را وداع گفت. تاریخ بیهق خود را در سال ۵۶۲ ه. به پایان برد که تاریخ منطقه بیهق با شرح حال ناموران این خطه است (ibid/ ۳۵۳-۴). این کتاب متنضم معلومات مفیدی درباره انساب خانواده‌های آن ولایت است. ابن فندق

در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بود از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گرافه از برای درشت‌نامایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست. تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در بطن تاریخ است که اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاه‌ها و بناها و خصوصیات چگرایی و حتی اجتماعی و اقتصادی دارند. در بعضی از تاریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ عمومی و یا سلسله‌ای دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.

بحشمن راز شرق ایران شروع می‌کنیم که کهن‌ترین تاریخ‌نگاری محلی در آنجا شکل گرفت و قدیمی‌ترین آثار را در این حیطه پدید آورد. تاریخ سیستان را عموماً به میانه سده پنجم هجری منتسب می‌دارند که خلاصه‌ای از وقایع

از نحله‌های تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ‌نگاری محلی است که بخصوص پیش از دوران صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای و پیشه مورخان بربخوردار بود. این نوع تاریخ‌نگاری از حس شهروطی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشقوص اصلی بدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود. گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز بخصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها اهمیتی درخور داشت. در تاریخ‌نگاری محلی، نوعی تداوم نهفته بود و ذیل نویسی یکی از ویژگی‌های آن بر شمرده می‌شود. نویسنده‌گان و مورخان در ادوار مختلف سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان افزوzenند. از آنجا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی

تاریخ نگاری محلی از حسّ شهروطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را درون تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز بخصوص در کیفیت وضع مالیاتها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشت

در باب سلجوقیان کرمان بود که محل استفاده محمدبن ابراهیم و ناصرالدین کرمانی قرار گرفته است. عقدالعلی للموقف الاعلی تأثیف افضل الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی کتاب منشیانهای است در باب آمدن ملک دینار، رئیس غزان به کرمان در سال ۵۸۱ ه. (ibid, II/ ۳۵۷).

سمط العلی للحضرۃ العلیا نوشته ناصرالدین منشی کرمانی در بین سالهای ۷۱۵ و ۷۲۰ ه. و ذکر قراختایان کرمان را در شمول خود دارد (ibid) تاریخ سلجوقیان کرمان را محمدبن ابراهیم در حدود سال ۱۰۲۵ ه. نوشت و در آن باگزارشی مختصراً از سلجوقیان عراق، تاریخ کرمان را تا برآمدن قراختایان به بحث گرفت (ibid/ ۳۵۸). در اینجا یاید از تاریخ کرمان احمدعلی خان وزیری هم یادی کنیم که در سال ۱۲۹۱ ه. تأثیف کرد و جمیع جهات تاریخ

در مورد شهرهای ماوراءالنهر باید از بلخ و بخارا نیز سخنی به میان آورد. فضایل بلخ نوشته صفوی الدین ابوبکر عبدالله بن عمر در حدود سال ۶۱۰ ه. به عربی است که در سال ۶۷۷ ه. به فارسی برگردانده شده و تاریخی است در باب بلخ و مساجد و مدارس و سلاطین و سکنه وغیر آن (زرین کوب / ۶۳-۶۲). ابوعبدالله محمدبن احمدبن سلیمان بخاری معروف به غنچار و متوفی به سال ۳۱۲ ه.

تاریخی داشته درباره بخارا که ظاهراً از بین رفته است. ولی ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی در سده چهارم تاریخ بهره گرفته و تاریخ بخارای خود را به زبان عربی و به نام نوع بن نصر سامانی نوشته و بعداً ابونصر احمدبن محمد قباوی در میانه سده ششم آن را به فارسی برگردانده است. این تاریخ دربردارنده اطلاعات سودمندی درباره

كتاب دیگری به عربی به نام مشارب التجارب داشته و بر دمیة القصر باخزی هم حاشیه‌ای زده بوده است (۳۵۴) ibid) تتمه صوان الحکمه یا تاریخ حکماء اسلام نیز از اوست.

در صحبت از تواریخ محلی شرق ایران نباید تاریخ نیشابور ابن‌البیع ابوعبدالله محمدبن عبدالله نیشاپوری را فراموش کرد. این کتاب از تواریخ اواخر سده چهارم هجری و موسوم به تاریخ علماء مدینه نیشاپور بوده که به زبان عربی نگارش یافته و بعداً به فارسی نیز تالیخی از آن صورت گرفته است و از مراجع معتبر تاریخ خراسان است (زرین کوب / ۶۲).

سیفین محمدبن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی از شاعران و قصیده‌سرایان دربار ملک فخر الدین



کرمان را بیشتر از حيث تاریخ دوره قاجار بررسی کرد. در باب یزد، تاریخ محلی بالنسبه زیاد است. کهن ترین اثر در این حیطه تاریخ یزد جغرافی است از آثار سده نهم هجری که اطلاعات مبسوطی راجع به تاریخ و جغرافیای یزد دارد و مؤلف آن جعفر بن محمد معروف به جعفری طبع شعر نیز داشته و یک تاریخ عمومی به نام تاریخ کبیر نیز نوشته است. احمدبن حسین بن علی کاتب تاریخ جدید یزد را در سال ۸۶۲ ه. نوشت. مطالع این کتاب بیشتر مبتنی بر اطلاعات کتاب پیشین است. جامع مفیدی، تالیف اواخر سده پایاندهم هجری، از دو اثر یاد شده جامع‌تر است (زرین کوب / ۶۲-۶۱).

مؤلف آن محمدبن حمید الدین محمود بافقی بیزدی در سال ۱۰۷۷ ه. مستوفی بن نجم الدین مجموعه اسناد از طبقه ایشان در حدود سال ۶۹۲ ه. تاریخ جامعی به نام بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان تألیف کرد که امروز موجود نیست و ذیل آن به المضاف الی بدایع‌الازمان شهرت دارد. این تاریخ

سامانیان و قلمرو سلطنت آنهاست و مطالعی درباره تحولات این سامان دارد که در مأخذ دیگر کمتر دیده می‌شود (همو / ۶۳).

مطلع الشمس از اعتقاد‌السلطنه گزارشی از خراسان در سه مجلد است یکی وصف جاده مشهد از طریق دماوند؛ دیگری وصف مشهد مقدس و تاریخ آن از سال ۴۲۸ تا ۱۳۰۲ ه. و فهرستی از کتب موجود آستان قدس رضوی؛ و سه دیگر گزارشی از سفر ناصرالدین شاه از طریق نیشابور، سیزوار، شاهزاد، دامغان و سمنان و نام‌آوران این شهرها (storey/ ۳۵۶).

در قلمرو تاریخ کرمان آثار مفصلی در دست است. ابوحامد حمید الدین احمدبن حامد ملقب به افضل کرمان در حدود سال ۶۹۲ ه. تاریخ جامعی به نام بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان تألیف کرد که امروز موجود نیست و ذیل آن به المضاف الی بدایع‌الازمان شهرت دارد. این تاریخ

کرت بود. تاریخنامه هرات او وقایع این سامان را از سال ۶۱۸ تا ۷۲۱ ه. دربرمی‌گیرد و «اختوا بر اخبار راجع به مقول و ایلخانان و ملوک کرت دارد» (همو / ۵۹). سیفی هروی رساله‌ای به نام مجموعه غیاثی یا تاریخ ملوک کرت دارد که به ملک غیاث الدین کرت اهدا کرده است (۳۵۴). شاید بتوان روضات الجنات فی اوصاف مدنیه هرات نوشته معین الدین محمد زمجی اسفزاری را دنباله تاریخ اخیر دانست. اسفزاری منشی دربار سلطان حسین باقر و تحت حمایت وزیر او، قوام الدین نظام‌الملک بود و علاوه بر تبحر در ترسیل و انشاء، شاعری و خطاطی نیز می‌دانسته است. تاریخ او وقایع هرات را تا سال ۸۷۵ ه. بیگیری کرده و در سال ۸۹۷ ه. به پایان برده و به سلطان حسین باقر ای تیموری اهدا کرده است. این کتاب به ۲۶ روضه فصل‌بندی شده است (ibid / ۳۵۵).

در تاریخ نگاری محلی نوعی تداوم نهفته بود و ذیل نویسی یکی از ویژگی‌های آن بر شمرده می‌شد. نویسنده‌گان و مورخان در ادوار مختلف سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتصادی زمان بدان می‌افزوند تاریخ نگاری محلی نوعی شهرشناسی در بطن تاریخ است که اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام آواران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاهها و بناها و خصوصیات جغرافیایی و حتی اجتماعی و اقتصادی دارند

است از این شهر و به سال ۱۲۸۸ه. پایان یافته است (۳۵۰). ibid /

نخستین تاریخ قم در سال ۳۷۸ه. به نام صاحب بن عباد وزیر پویه‌یان به زبان عربی تألیف یافت و مولف آن حسن بن محمدبن حسن قمی بود. این کتاب از بن رفته ولی ترجمه فارسی آن با نام کتاب قم یا قم‌نامه و یا تاریخ قم متعلق به او اول سده نهم هجری است. این اثر مشتمل بر اطلاعات تاریخی و بخصوص اجتماعی - اقتصادی این شهر است و از آن می‌توان اطلاعاتی در خور راجع به قبایل عربی ساکن در آن پیدا کرد (زیرین کوب / ۶۱).

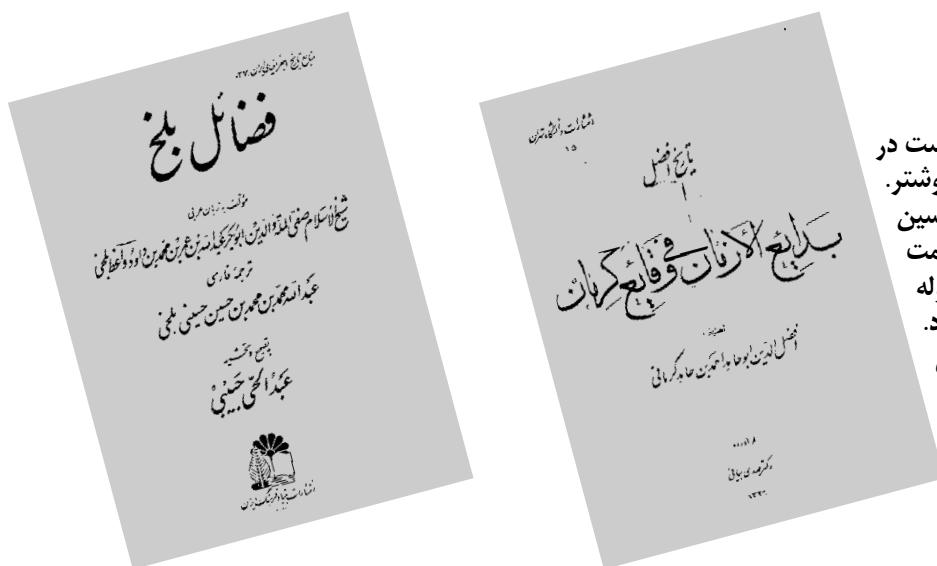
محمدعلی بن محمدحسین بن علی بهاءالدین، تاریخ قم دیگری در سال ۱۳۰۲ه. نوشته.

در قلمرو ایلات و عشایر فارس و میزان دخالت و تحرک آنها در واقعی سیاسی و اجتماعی زمانه می‌توان از

حقیقت تاریخ و جغرافیای فارس است. در این کتاب معلومات مفیدی هم در باب طوابق و بنادر و بلاد فارس آمده است (زیرین کوب / ۶۵). آثار عجم نوشته میرزا محمدنصیر حسینی مشهور به میرآقا و متخلص به فرهنگ هم خالی از اطلاعات مفید راجع به فارس نیست (storey / ۳۵۲). اصفهان به موجب موقعيت جغرافیایی خود همواره یکی از کانون‌های سیاسی - اقتصادی ایران بر شمرده می‌شد. از این رو از سده‌های نخستین اسلامی توجه مورخان را به خود داشته بود. مفضل بن سعدین حسین مافروخی در سال ۴۲۱ه. در روزگار علاءالدوله این جعفر محمدبن دشمنزیار محسان اصفهان خود را به عربی نوشت و حسین بن محمدبن ابی الرضا حسینی علوی آوی آنرا در سال ۷۲۹ه. با عنوان ترجمه محسان اصفهان به فارسی ترجمه و به غیاث الدین محمدبن رسیدالدین وزیر اهدا کرد.

از طریق بصره به سورات و سپس به دهلی و حیدرآباد رفت و به خدمت محمداکبر فرزند چهارم اورنگ زیب رسید (۳۵۲). میرزا حسین طهرانی متخلص به ثریا احوال سیوند را برای احتشام السلطنه فرزند فرهادمیرزا معتمدالسلطنه، در زمان حکومت او در فارس، نوشت. این اثر بیشتر گزارش زبانشناختی این منطقه است (ibid / ۳۵۳).

در احوال و آثار شهرهای فارس هم تواریخ تألف شد که پیش از همه باید به فارسنامه این بلخی اشاره کرد. این بلخی کتاب خود را به دستور غیاث الدین محمود (۴۹۸-۴۹۱ه.)، برادر پرکار (۴۸۷-۴۹۸ه.) سلطان سلجوقی نوشت. واقعی این کتاب از تاریخ اسلام و زمان پیامبر شروع می‌شود و تا روزگار نگارنده می‌رسد. حتی به سلسله‌های پیش از اسلام ایران نیز نظر دارد (ibid / ۳۵۱)



تاریخ بختیاری یاد کرد که به دستور حاج قلیخان سردار اسد بختیاری فراهم آمد (همو / ۶۶). اعلام الناس فی تاریخ بختیاری هم تاریخی نسبتاً جدید است تألیف سدیدالسلطنه کبابی. در این اثر تحولات اقتصادی و اجتماعی جنوب ایران مضمیر است. کهن ترین تاریخ درباره ایلات شمالی ایران متعلق به محمدبن اسفندیار است. تاریخ طبرستان این اسفندیار در سال ۱۳۶ه. تألیف شد و در بردارنده تاریخ این سامان از کهن ترین ایام تازمان فوت نویسنده است. نویسنده گمنامی ذیلی هم تا سال ۷۵۰ه. بر آن افزوده است. (۳۵۹-۶۰). ibid / ۳۴۹) سیدظہیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران خود را با سرشق از تاریخ طبرستان و ابن اسفندیار نوشت. اطلاعاتی که او درباره مرعشیان

(ibid / ۳۴۹). محمدمهدی بن محمدضراء اصفهانی هم نصف جهان فی تاریخ اصفهان را در سال ۱۳۰۳ه. نوشت. مولف آن چندی را در هند در بین پارسیان گذراند و در سال ۱۲۷۵ه. در تهران اقام ادامت داشت. کتاب او احثوا بر وقایع تاریخی و مسائل جغرافیایی اصفهان دارد (ibid / ۳۴۹).

جغرافیای اصفهان از میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی اطلاعات سودمندی درباره وضع اقتصادی شهر، مشخصات تجار و اصناف و فعالیت مردمان شهر در مراتب اجتماعی دارد. ااصفهان از سیدعلی جناب هم در این زمرة از آثار معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در باب شناخت نام آواران فارس، مأخذ مفیدی است. ریاض الفردوس نوشته محمد میرک بن مسعودالحسینی در سال ۱۰۸۲ه. با اینکه یک تاریخ عمومی ایران است ولی درباره فارس، کهگیلویه و خوزستان اطلاعات ویژه‌ای دارد (ibid / ۳۵۱-۲).

فارسنامه ناصری تألف حاجی میرزا حسن فسایی در معین الدین ابوالعباس احمدبن ابی الخیر شیرازی معروف به این زرکوب شیرازی در سال ۷۴۴ه. شیرازنامه خود را نوشت و در سال ۷۸۹ه. دار فانی را وداع گفت. این تاریخ و قایع شیراز را تا سال ۷۴۴ه. دنبال کرده و ضمن آن اشاراتی به بویهیان، سلجوقیان، سلغزیان، مغولان و آل اینجو دارد و در خاتمه آن نیز به سادات و عرفای شیراز می‌پردازد (ibid / ۳۵۱). هزار مزار که ترجمه‌ای است از شدالازار معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در باب شناخت نام آواران فارس، مأخذ مفیدی است. ریاض الفردوس نوشته محمد میرک بن مسعودالحسینی در سال ۱۰۸۲ه. با اینکه یک تاریخ عمومی ایران است ولی درباره فارس، کهگیلویه و خوزستان اطلاعات ویژه‌ای دارد (ibid / ۳۵۱-۲).

تحفة العالم نیز کتابی است در تاریخ و جغرافیای شوشتر. مؤلف این کتاب، سید عبدالحسین شوشتری در سال ۱۲۴۶ه. در خدمت محمدحسین میرزا حشمت الدله از نوادگان فتح علیشاه بود. اثر او گزارشی از تاریخ و جغرافیای شوشتر و علی‌الخصوص بندخاقانی است که توسط پدر شاهزاده مذبور تعمیر شده بود

احیاءالملوک، تالیف شاهحسین بن ملک غیاثالدین محمد، از بازماندگان صفاریان،
تاریخ دیگری است در باب سیستان که وقایع را تا سال ۱۰۲۸هـ. ق ادامه داده است

سیف بن محمدبن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی از شاعران و قصیده‌سرایان
در بار ملک فخرالدین کرت بود. «تاریخنامه هرات» او وقایع این سامان را
از سال ۶۱۸ تا ۷۲۱هـ. دربرمی‌گیرد و احتوا بر اخبار راجع به مغول و ایلخانان و ملوک کرت دارد

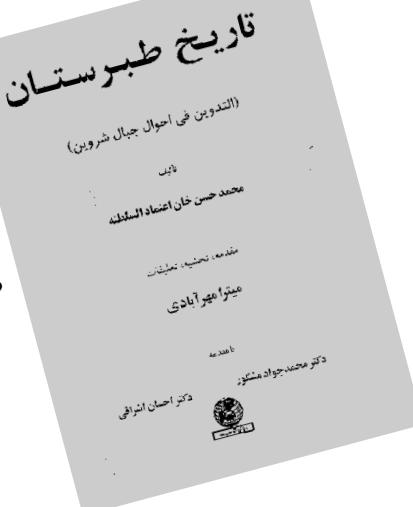
تاریخ بنواردلان را نوشتند. اولی تا وقایع سال ۱۲۲۵هـ. و
دومی تا پریادهای ۱۲۵۰هـ. را شامل است (زیرین کوب / ۱۴۵). در قلمرو تاریخ کردستان زبدة التواریخ سنندجی را
نیز نباید مغفول گذاشت - فصل یازده آن نسبت‌نامه کردان
و امراء و حکام بنی اردلان است و محمد شریف بن
ملامصفی قاضی اردلان، آنرا در سال ۱۲۱۵هـ. تألیف
کرده است.

تاریخ و چهارگاهی دارالسلطنه تبریز معروف به تاریخ
تبریز را نادرمیرزا قاجار در عهد مظفرالدین شاه نوشته و
لسان‌الملک سپهر آنرا تهذیب و اصلاح کرد. در این کتاب از
بنای تبریز و محل و مکان و تعداد جمیعت و چگونگی آب و
هوای محلات و قنوات و مساجد و مزارات و ابنیه و آثار تاریخی
صحبت شده است و قوایق تاریخی آن از صدر اسلام تا روزگار
قاجار را در شمول خود دارد (آرین پور، ۱۷۶/۱).

مؤلف این کتاب، سیدعبدالحسین شوشتري در سال ۱۲۴۶هـ.
در خدمت محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله از نوادگان
فتح‌علیشاه بود. اثر او گزارشی از تاریخ و چهارگاهی شوشتار
و علی‌الخصوص بندهایانی است که توسط پدر شاهزاده
مزبور عتیر شده بود (ibid / ۳۶۵). عبداللطیف شوشتاری
هم در تحفة‌العالم خود که یک حسب حال است گزارشی
از شوستر آورده است (در سال ۱۲۱۵-۱۶هـ.). درباره تاریخ
خوزستان نمی‌توان بدون ذکر تاریخ پانصد ساله خوزستان
از سیداحمد کسری گذشت. این تاریخ و قایق خوزستان را
از روزگار آن مشعشع تا زمان حاضر دربرمی‌گیرد.
درخصوص کردستان نیز تواریخی موجود است که
تحولات سیاسی و اجتماعی این خطه را مطمئن نظر قرار
داده‌اند. بیش از همه باید از شرف‌الدین بدليسی و
شرف‌نامه او صحبت کرد. شرف‌الدین در سال ۹۴۹هـ.

مازندران آورده منحصر به فرد است و در منابع دیگر یافته
نمی‌شود. سیدظہیرالدین تاریخ دیگری با عنوان تاریخ
گیلان و دیلمستان دارد که در باب آل کیا و حکومت آنها
در گیلان تأثیف کرده است. وقایع این تاریخ تا سال ۸۹۴هـ.
ادامه می‌یابد و به کارکی مردان میرزا علی بن سلطان محمد
اهدا شده است (ibid / ۳۶۱-۲). علی بن شمس‌الدین بن
 حاجی حسین لاھیجی هم تاریخ خانی خود را درباره آل کیا
در محرم سال ۹۲۱هـ. شروع کرد و در صفر سال ۹۲۲هـ. به
پایان برد. وقایع آن سالهای ۸۸۰-۹۰۰هـ. تا ۹۲۰هـ. رازی پوشش
دارد (ibid / ۳۶۳). او این کتاب را به دستور سلطان
احمدخان حاکم گیلان نوشت. اولی‌الله املى تاریخ رویان
خود را در سال ۷۶۴هـ. به اتمام رساند و آنرا موشح به نام
فخرالوله شاه غازی بن زیار (سلطنت در ۷۸۰-۷۶۱هـ.)
کرد (ibid / ۳۶۱). اعتمادالسلطنه هم التدوین فی احوال

«فضائل بلخ» نوشه
صفی الدین ابویکر عبدالله بن عمر
در حدود سال ۶۱۰هـ.
به عربی است که در سال
۶۷۷هـ. ق به فارسی برگردانده شده و
تاریخی است در باب بلخ و مساجد و
مدارس و سلاطین و سکنه و غیره



شرق‌نامه

تاریخ مفصل کردستان

تألیف

میرزه زاده خان بیسی

با تقدیر و تعلیمات فضیل

طبع

محبوبی

منابع و مأخذ:

در تحریر این مقاله افزون بر رجوع به آثار و تواریخ یاد شده از
برای ارزیابی کم و کیف مطالب و اطلاعات آنها از آثار زیر نیز
استفاده شده:
آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، ج ۱، تهران، کتابهای جی،
۱۳۵۷.
زیرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران،
امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
Storey, Persian literature..., II, London -
Luzac, ۱۹۳۶.

متولد شد و با فرزندان شاه طهماسب تعلیم و تعلم دید و
بعدها توسط او به مقامات برکشیده شد. در سال ۹۷۵هـ.
به گیلان رفت و مدت هفت سال در آنجا ماند و مدت
هشت ماه هم حکومت شروان را بر عهده داشت.
شاد اسماعیل ثانی او را امیرالامرا کردان ایران کرد. او
شرف‌نامه خود را که تاریخ کردان است در سال ۱۰۰۵هـ.
تکمیل و به یک مقدمه و چهار صحیفه و یک خاتمه
فصل بندی کرد. در این تاریخ اطلاعات ارزشمندی درباره
سلاطین کرد در الجزیره و دیار بکر و دینور و شهرزور، لر
بزرگ و لر کوچک (آل فضلولیه) ایوبیان، اردنان و حکام
حسن کیفا و غیره آمده است (ibid / ۳۶۷).
محمدابراهیم بن ملام محمدحسین اردلانی هم تاریخ
امرا اردلان و خسروین ملام محمدحسین اردلانی نیز

جبال شروین را در باب تاریخ و چهارگاهی طبرستان تأثیف
کرد. عبدالفتاح فومنی تاریخ گیلان خود را از وقایع
سال ۹۲۳هـ. شروع و به وقایع سال ۱۰۳۸هـ. ختم کرد.
عبدالفتاح فومنی از اجزاء حکومت در فومن و لاھیجان
بود (زیرین کوب / ۶۲۱).

تذکره شوستر، تاریخ شوستر تا سال ۱۱۶۹هـ. است.
این کتاب از تراجم احوال بزرگان این منطقه خالی نیست.
مؤلف آن سیدباقرین نورالدین بن نعمت‌الله حسینی
شوستری متخلص به فقیر است. نیای معروف او سید
نعمت‌الله جزایری است. وی در سال ۱۱۷۳ در شوستر
درگذشت (ibid / ۳۶۳). بضاعة مزاجه هم تاریخی است
در باب شوستر و مبتنی بر اطلاعات تذکره یاد شده.
تحفة‌العالم نیز کتابی است در تاریخ و چهارگاهی شوستر.